

انگیزه‌های سیر آفاقی در تذکره الاولیاء

مریم رحمانی^۱

دکتر محمد فولادی^۲

دکتر میثم احمدی^۳

چکیده

سیر آفاقی یکی از موضوعات بسیار مهم ادبیات عرفانی است. ارزش و اهمیت این مبحث در نزد صوفیه از چنان جایگاهی برخوردار بوده که باعث شده بسیاری از صوفیه، بخشی از کتابشان را به بحث در این زمینه اختصاص دهند و به بحث درباره انگیزش‌های مختلف سالکان و شرایط و آداب سفر بپردازند.

کتاب تذکره الاولیاء از جمله کتب برجسته‌ای است که عطار نیشابوری آن را در ذکر حال نودوهفت تن از مشایخ صوفیه تألیف کرد. او در این کتاب در ضمن بیان احوال این مشایخ، به برخی از آداب طریقت آنان از جمله سیر آفاقی که به انگیزه‌های مختلفی چون بین این مشایخ رواج داشت. وجه اشتراک همه این سفرها، با هر انگیزشی که صورت می‌گرفت، درنهایت دل بردن از مألوفات جسمانی و رهایی از زندان نفس را در پی دارد و این خود برای عارفان مهم و نکته اساسی است.

در میان این انگیزش‌ها برخی از انگیزش‌های سفر مانند سفر برای حج یا سفر برای زیارت مشایخ، در میان مشایخ صوفیه تذکره الاولیاء نسبت به سایر انگیزش‌ها، از بسامد بالاتری برخوردار است. با این حال وجه مشترک این سفرها این است که با هر انگیزشی صورت گرفته، درنهایت منجر به آمادگی نفس برای سیر باطنی شده است.

واژگان کلیدی: عارفان و مشایخ صوفیه، سفر، سیر آفاقی، تذکره الاولیاء، عطار.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم. maryam_rahmani2001@gmail.com

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم.

۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران.

ukaramicheme@yahoo.com

تاریخ پذیرش

۹۶/۱۰/۱۰

تاریخ دریافت

۹۶/۴/۱

۱- مقدمه

سیروسفر یکی از شرایط شکوفایی شخصیت و مناسب‌ترین فرصت برای زدودن عادات نامطلوب فکری و رفتاری و تعالی منش و شخصیت آدمی است؛ بنابراین سفر یکی از نهادهای ترین و ضروری‌ترین نیازهای بشر است که از گذشته‌های دور باانگیزه‌های مختلفی صورت می‌گرفته است.

سفر از دیدگاه عارفان از جایگاه برجسته‌ای برخوردار بوده است؛ زیرا بنا بر اعتقاد این گروه، سفر سبب رستن از مکروه و توجه دل به‌سوی حق است که سالک را طی مناسکی، به مقام قرب الهی نائل می‌سازد.

بر این مبنا صوفیه معتقدند که «آدمی در عالم دنیا مسافر است و از اول فطرت در سفر افتاده است از عالم عدم، منازل می‌گذرد تا به قیامت رساند.» (العبادی، ۱۳۴۷: ۲۴۸)

یکی از سفرهایی که معمولاً در نزد صوفیه از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای برخوردار بوده، سیر آفاقی است که برخی از سالکان با استناد به آیه «سَتَرِيْهِمْ اَيَاتِنَا فِي الْاَفَاقِ وَ فِي اَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ تَبَيَّنَ لَهُمْ اَنَّهُ الْحَقُّ» (فصلت/۵۳)، این سیر را یکی از اصول اساسی تصوف و فریضه‌ای از جانب خدا می‌دانستند.

در این نوع از سفرها، «مسافر به‌سوی مقصد و مطلوبی رخت سفر برمی‌بندد که آن مطلوب، وی را به کمال و قرب حق نزدیک می‌کند یا از نکایت امری می‌گریزد و قصدش دور شدن از تنگناهای دینی و دنیوی است.» (کبری ۱۳۶۳: ۳۷)

تذکره الاولیاء

تذکره الاولیاء، عنوان کتابی است از عارف و شاعر بزرگ قرن ۶ و ۷ هجری، شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، «در سرگذشت نودوهفت تن از اولیاء و مشایخ با ذکر مقامات و مناقب و مکارم اخلاق و نصایح و مواعظ و سخنان حکمت‌آمیز آنان.» (صفا، ۱۳۸۰: ۳۶۵) عطار در تحریر تذکره‌الاولیاء از کتاب کشف‌المحجوب (هجویری) از جلابی هجویری و طبقات‌الصوفیه از عبدالرحمن سلمی بهره جسته است. وی در این کتاب ضمن بیان احوال کسانی چون امام صادق، اویس قرنی، ابراهیم ادهم، رابعه عدویه، ابوحنیفه، امام شافعی، احمد حنبل و محمدباقر، به شیوه سیر و سلوک آن‌ها نیز اشاره می‌کند.

۱-۱. اهداف و پیشینه پژوهش

علاوه بر قرآن و روایات که درباره اهمیت و ضرورت سفر بیان شده است، همواره بخشی از آثار متصوفه به اهمیت و ضرورت سفر اختصاص داده شده است که بیانگر اهمیت سفر (انفسی و آفاقی) در میان این دسته از مردم است. در این باره پژوهش‌هایی نیز صورت گرفته است که از ابعاد گوناگون به نقش سفر در میان سالکان طریقت می‌پردازد؛ از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «سیر آفاق در مشرب متصوفه» نوشته لایلا هاشمیان و میثم احمدی؛ «بررسی سفر آفاقی و دستاوردهای آن از منظر عرفای مسلمان» از وحید فخار نوغانی؛ «سفر در متون نثر عرفانی» نوشته هوشنگ محمدی افشار؛ «سیروسفر از منظر آیات و روایات» پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات دانشگاه قم نوشته مریم صادق و «تحلیل و بررسی سیروسفر در متون عرفانی قرن هفتم» پایان‌نامه دکتری ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان نوشته فاطمه طاهری.

اما در حوزه سفر ظاهری، از دید مشاهیر عرفان و تصوف به شکل ویژه پرداخته نشده است؛ بنابراین این نوشتار دارای بینش نوین نسبت به انگیزه‌های سفر در میان اولیای تذکره الاولیاء است که نویسنده با آوردن نمونه‌هایی، انگیزه‌های صوفیان سالک را برای خواننده بیان می‌کند تا چارچوب روشن‌تری از انگیزه‌های سفر این سالکان نشان داده شود.

۲. انگیزه‌های سیر آفاقی در تذکره الاولیاء

در تذکره الاولیاء در ذکر حسین منصور حلاج آمده است: پس پای‌هایش ببریدند، تبسمی کرد، گفت: بدین پای سفر خاکی می‌کردم، قدمی دیگر دارم که هم‌اکنون سفر در هر دوعالم بکند، اگر توانید آن را ببرید.» (عطار، ۱۳۷۰: ۱۴۳)

توجه به سیر آفاقی در میان مشایخ صوفیه تذکره الاولیا از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است چنانکه برخی از این صوفیه آن را امری ستوده دانسته‌اند و برخی با آن به مخالفت برخاسته‌اند.^۱ در هر حال سیر آفاقی در میان این جماعت از متصوفه که با انگیزش‌های مختلف صورت می‌گرفت، یکی از اصول اساسی تصوف است؛ چنانکه ابوعبدالله خفیف در تعریف تصوف گفته است: «تصوف صبر است در تحت مجاری اقدار و قرار گرفتن از دست ملک ذوالجلال و قطع کردن بیابان و کوهسار.» (همان: ۲۲۰)

در ادامه با بررسی انواع و اهداف این سفرها، سعی می‌شود به چارچوب روشن‌تری از سیر آفاقی در میان تذکره اولیای عطار دست‌یابیم.

۲.۱ برای حج

سفر حج در میان صوفیه یکی از پربسامدترین نوع سیر آفاقی است که در نزد صوفیه از سفرهای معنوی محسوب می‌شده است چنانکه نقل شده است که رسول خدا در اهمیت و اعتبار این سفر فرموده‌اند که «وفدالله ثلاثه: الحاج و الغازی و المعتمر» (باخرزی، ۱۳۴۵ ج ۲: ۱۵۷)

بنابراین، این سفر به عنوان یکی از آداب معنوی صوفیه همواره مورد توجه بوده است و بسیاری از متصوفه بارها این سفر را به عنوان یک فریضه دینی و معنوی انجام می‌دادند.^۲ این سفر در میان اولیای مذکور در «تذکره الاولیا» عطار نیز از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است؛ چنانکه حتی صوفیانی که به ظاهر با سفر سالک مخالف بودند تا فرصتی دست می‌داد، به عزم زیارت‌خانه خدا بار سفر می‌پستند و راه بیابان را پیش می‌گرفتند و سختی‌های این سفر معنوی را به جان دل می‌خریدند.

برای مثال از احمد خضویه نقل است که گفت: «یک‌بار به بادیه به راه توکل برای حج درآمدم باره برفتم خار مگیلان در پایم شکست بیرون نکردم گفتم توکل باطل شود. همچنان نمی‌رفتم پایم آماس گرفت... همچنان لنگان به مکه رسیدم و حج بگزاردم و همچنان باز گشتم...» (عطار نیشابوری، ۱۳۷۰ ج ۱: ۲۹۰)

در این میان برخی از این نوع سفرها در تذکره الاولیاء، علاوه بر آنکه بر جنبه ظاهری حج اشاره دارد، جنبه‌های معنوی آن نیز درخور توجه و تأمل است. در این نگاه، بینش عرفانی به خانه خدا مورد توجه بوده است و نه خانه گل؛ به عبارت دیگر یافته است. این بینش، در شعر شاعرانی چون مولوی نیز بازتاب داشته است.

برای مثال از رابعه عدویه نقل است که در میان بادیه کعبه را دید که به استقبال او می‌آید! گفت: من کعبه را چه کنم، صاحب‌خانه را می‌خواهم نه خانه را!

گویند ابراهیم ادهم همان سال به مکه رسیده بود، بعد از چهارده سال... او چون به کعبه رسید آن را در جای خود ندید! هاتفی آواز داد که ای ابراهیم کعبه به استقبال رابعه رفته است. (همان: ۶۲)

۲-۲. برای تهذیب نفس

هدف دیگر سفرهای آفاقی سالکان، اصلاح خوی و خصلت‌ها و تهذیب آن از طریق سفر ظاهری است؛ این‌گونه از سفر معمولاً از سوی مشایخ به مریدان توصیه می‌شد، زیرا بنا بر اعتقاد صوفیان «سفر دباغ نفس است سالک را، یبوست و عفونت به‌کلی از وی زایل شود.» (سهروردی، ۱۳۸۴: ۵۹) و سبب می‌شد تا «اخلاق انسان را برهنه کند و باعث برخاستن پرده باطن شود و خویی‌های پوشیده و ذمایم اخلاق را بر آدمی کشف کند.» (محمدی افشار، ۱۳۸۸: ۴۲) از این رو گفته شده است که «یسمی السَّفرُ سَفَرًا لِأَنَّهُ یَسْفِرُ عَنْ الْاخْلَاقِ.» (کاشانی، ۱۳۶۷: ۲۰۶)

«پس بایزید از بسطام رفت و سی سال تمام در بادیه شام می‌گشت و ریاضت می‌کشید و بی‌خوابی و گرسنگی پیش گرفت و در این مدت یک‌صد و سیزده پیر را خدمت کرد تا به حضرت امام جعفر صادق (ع)» (عطار نیشابوری، ۱۳۷۰: ۱۳۶)

بر این اساس بسیاری از مشایخ برای تنبیه و ریاضت نفس سالکان آن‌ها را به سفرهای طاقت‌فرسا و طولانی ترغیب می‌کردند، زیرا معتقد بودند که اگر سفر ظاهری در نفس سالک تأثیر گذارد و موجب تهذیب درونش شود، تبدیل به سفر روحانی می‌گردد. (قشیری، ۱۳۷۴: ۴۸۸)

در این‌گونه از سفرها که معمولاً به دستور پیر یا مراد انجام می‌شد، چنانکه در تذکره الاولیا نقل است که «احمد نصر شصت موقف ایستاده بود... یک‌بار در حرم حدیث بکرد پیران حرم او را از حرم بیرون کردند... چون احمد نصر به بغداد آمد بر حکم آن گستاخی به در خانه شیخ شد... شیخ بیرون آمد و گفت که او را مگذارید... احمد نصر بیفتاد و بی‌هوش شد... آخر روز شیخ ابوالحسن بیرون آمد و رو بدو کرد و گفت یا احمد... باید که برخیزی و به روم شوی و یک سال آنجا خوک بانی کنی...» (عطار، ۱۳۷۰: ۳۸۹)

۲-۳. زیارت مشایخ

سفر برای زیارت مشایخ یکی دیگر از انگیزه‌های سیر آفاقی در میان صوفیه بوده است؛ تا ضمن دیدار با آن‌ها از وجود معنوی آن‌ها بهره‌مند شوند.

این گونه از سفرها اگرچه در میان مشایخ صوفیه که عطار به شرح احوال آنها می‌پردازد، چندان برجسته نیست اما می‌توان آن را یکی دیگر از انگیزه‌های سیر آفاقی در میان آنها محسوب کرد.

«نقل است که دو شیخ به زیارت او (رابعه) آمده بودند و گرسنه بودند. رابعه دو گرده نان پیش ایشان نهاد تا بخورند...» (همان: ۶۳)

«جوانی پای‌برهنه از اصفهان به عزم زیارت نوری بیرون آمد... نوری مریدان را گفت تا یک‌فرسنگ راه را جارو زدند و گفت که جوانی می‌آید که نور حدیث عشق بر دل او تافته است.» (همان، ج ۱: ۵۱)

۲.۴. سفر تجارت در طلب امرارمعاش

مهم‌ترین فایده مادی و ظاهری سفر بعد اقتصادی و درآمد حاصل از تجارت است. توجه اسلام به کسب رزق حلال و بهره‌مندی از مواهب طبیعی باعث ایجاد این انگیزه برای سفرهای تجاری در میان برخی از متصوفه بود. بنابراین برخی از صوفیه با استناد به آیه ۱۰ سوره جمعه «فانتشروا فی الارض و ابتغوا من فضل الله...» در زمین پراکنده شوید و فضل و رحمت خداوند را بجوید، برای کسب روزی و امرارمعاش به این گونه از سفرهای آفاقی می‌پرداختند.

در میان شرح احوال صوفیه در تذکره الاولیاء، شقیق بلخی از جمله شخصیت‌هایی بود که به انگیزه یک سفر تجاری به نواحی ترکستان رفت.

«ابوعلی شقیق در آغاز کار بازرگانی می‌کرد و برای تجارت به ترکستان رفت. در آنجا به دیدن بتخانه‌ای رفت...» (عطار نیشابوری، ۱۹۶: ۱۳۷۰) یا در احوال عبدالله بن مبارک آمده است که «یک سال حج می‌کرد، یک سال به غزو می‌رفت یعنی جنگ کافران و یک سال تجارت می‌کرد و منفعت خویش به یاران می‌بخشید.» (همان: ۱۸۰)

۲.۵. شهرت‌گریزی

گریختن از شهرت و زندگی در خمول و گمنامی در میان سایر انسان‌ها از جمله عواملی بود که گروهی از صوفیه را به نقل مکان و سفرهای دورودراز وامی‌داشت. این گریز معمولاً به انگیزه‌های مختلفی چون پنهان داشتن احوال خود از عوام و گاهی نیز به دلیل در امان ماندن از مفاسد خلاق صورت می‌گرفت اویس قرنی و ابراهیم ادهم در تذکره الاولیاء

از جمله شخصیت‌هایی هستند که از بیم مقبولیت و پذیرش در میان هم‌وطنان خود، به‌طور ناشناس رخت سفر برمی‌بندند و از وطن مألوف خود می‌گریزند.

«چون مردم از حال وی-ابراهیم ادهم- آگاه شدند، از نیشابور بگریخت و به مکه رفت...» (عطار نیشابوری، ۸۸: ۱۳۷۰)

او پس قرنی «جهت فرار از جاه و غرور دنیا چون به سفارش پیامبر و علی و فاروق، وی را حرمتی و جاهی پدید آمد، سر آن نمی‌داشت، از آنجا بگریخت و به کوفه شد و بعد از آن کسی او را ندید.» (همان، ج ۹: ۱)

بنابراین این صوفیان گریز یا که سلامت دین و دل خود را درگرو جدا شدن از خلق می‌دانستند با شعار قرار دادن «إِسْتِقَامَةُ الْحَالِ فِي الْبُعْدِ مِنَ النَّاسِ» (المکی، ۳۳۴: ۱۳۸۴) یکی از انگیزه‌های سیر آفاقی خود را گریز از شهرت گرایی در میان مردم، قرار دادند.

۶.۲. برای یافتن مراد و راهنما

سفر برای یافتن مربی و پیر روحانی در سلوک معنوی عارفان، یکی از انگیزه‌های سفر آن‌ها به حساب می‌آمد؛ این نکته سبب می‌شد تا بسیاری از صوفیان برای یافتن مراد و مربی، بار سفر از وطن خود بریندند و سختی راه را به جان دل بخرند: «به طلب شیخ کامل برخیزد، اگر مشرق نشان دهند و اگر در مغرب، برود و به خدمت او تمسک کند... و به هیچ عذری خود را بند نکند تا از این دولت محروم نماند که دریغ بود.» (رازی، ۱۳۷۳: ۲۵۵) در طی پیمودن این انگیزه از سفر است که سالک به فواید آن نائل می‌شود: «وجه اول آنکه راه ظاهر به کعبه‌ی صورت بی‌دلیل راه‌شناس نمی‌توان برد، با آنکه رونده‌ی راه آن راه، هم دیده‌ی راه بین دارد، هم قوت قدیم ظاهر است و هم مسافت معین...» (همان، ۲۲۸)

چنانکه بر اساس اخبار تذکره الاولیاء آغاز توبه ذوالنون این گونه بود که «خبر دادند در فلان جای عابدی است که خود را از درخت آویخته است، ذوالنون به دیدنش رفت...» (عطار نیشابوری، ۱۳۷۰: ۱۱۴)

یا درباره عبدالله مبارک آمده است: «آنگاه از مرو به بغداد رفت و مدتی در صحبت مشایخ بغداد بود...» (همان، ۱۸۰)

از موارد یادشده می‌توان استنباط کرد که یکی از اهداف مهم سفر در نزد عرفا رسیدن به پیر عارف واصل است که از طریق سفر بدان دست می‌یافتند.

۲.۷. برای جهاد

جهاد نیز بنا بر مستندات قرآن و احادیث ۴ و به جهت برخورداری از ثواب معنوی آن، یکی دیگر از انگیزه‌های سفر صوفیانه در میان عارفان سالک بوده است؛ چنانکه در میان صوفیان، ابراهیم ادهم^۵ و عبدالله بن مبارک دو چهره بارز در این نوع از سفر آفاقی هستند. چنانکه عطار در تذکره الاولیاء در شرح احوال عبدالله بن مبارک می‌نویسد که «عبدالله بن مبارک سرانجام به حجاز رفت و در آنجا یک سال حج کرد، یک سال به غزو می‌رفت یعنی جنگ کافران و یک سال تجارت می‌کرد و منفعت خویش به یاران می‌بخشید.» (همان: ۱۸۰)

۲.۸. برای طلب علم

یکی دیگر از انگیزش‌های سالکان، سفر برای طلب علم و سماع حدیث بوده است؛ بنابراین بسیاری از صوفیان با استناد به روایت: «من سلک طریقاً یلتمس فیهِ علماً سهل الله له طریقاً الی الجنة» (هجویری ۴۵۰: ۱۳۷۱) برای شنیدن یا تفسیر یک حدیث مسیرهای طولانی‌ای را می‌پیمودند.

بنابراین برخی از صوفیه در تذکره الاولیاء نیز به همین انگیزه رحل طریق را برمی‌بستند و سفری طولانی را آغاز می‌کردند.

«ابوسعید ابوالخیر می‌گفت: به سرخس رفتم نزدیک پیر ابوالفضل و گفتم دلم می‌خواهد «یحبه‌م و یحبونه» را برای من تفسیر کنی...» (عطار نیشابوری، ۱۳۷۰: ۴۱۶) همان‌گونه که در این حکایت مشاهده می‌شود ابوسعید که خود از بزرگان عرفان بوده، برای تفسیر آیه‌ای از آیات قرآن کریم به مسافرت رفته تا از محضر پیر بهره‌مند شود.

۲.۹. برای دعوت خلق و تبلیغ

تبلیغ و وعظ، گونه‌ای دیگر از انگیزه‌های سیر آفاقی مشایخ صوفیه بوده است. این انگیزش در میان برخی از مشایخ صوفیه تذکره الاولیاء باعث می‌شد تا برخی از آن‌ها ضمن تبلیغ اسلام در نواحی دار الکفر، باهدف اشاعه آرا و عقاید خود، رخت سفر را برای رفتن به نواحی دوردست بربندند.

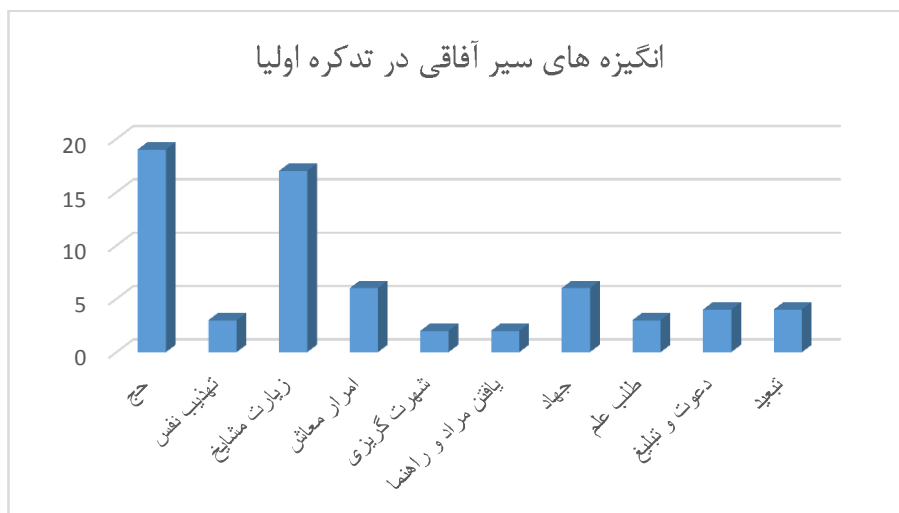
انگیزه‌های سیر آفاقی در تذکره الاولیاء (۱۱-۲۳) ۱۹

چنانکه عطار در شرح حال حسین منصور می‌نویسد: «پس از آنجا باز به بصره آمد، باز به اهواز آمد، پس گفت به بلاد شرک روم تا خلق به خدای خوانم. به هندوستان رفت. پس به ماوراءالنهر آمد. پس به چین آمد و خلق را به خدای خواند.» (همان، ۲ ج: ۱۳۷)

۲.۱۰. برای تبعید

این انگیزه از سفر آفاقی، از جمله سفرهای مشقت باری که گاهی به صوفیه نه به میل و اراده خود بلکه به اجبار حکومت و صاحبان قدرت و تحریک عوام به آنان تحمیل می‌شد؛ تا جایی که بسیاری از صوفیان در این غربت و آوارگی جان می‌سپردند. ابوالحسن پوشن‌چی از پوشنگ به عراق رفت و سال‌ها در آنجا بماند و چون بازگشت او را در پوشنگ به زندقه و بی‌دینی نسبت دادند، ناگزیر از آنجا به نیشابور رفت و عمری را با آوازه نیک و بلند به سر برد. (همان، ج ۲: ۸۹)

«چون کار او -بایزید بسطامی- بلند شد، سخن او در حوصله اهل ظاهر نمی‌گنجید، حاصل هفت بارش از بسطام بیرونش کردند.» (عطار نیشابوری، ۱۳۷۰ ج ۱: ۱۳۹)



پی‌نوشت

۱. بایزید خضرویه را گفت: تا کی سفر و گرد عالم گشتن؟ خضرویه گفت: چون آب بر یکجا بایستد متغیر شود. شیخ گفت: کُن بحراً لَا يَتَغَيَّرُ «چرا دریا نباشی تا هرگز متغیر نگرددی و آرایش نپذیری...» (عطار، ۱۳۷۰: ۱۴۸)

ابوعبدالله خفیف در اهمیت سیروسفر، آن را معادل تصوف می‌شمارد و در ارج نهی به ضرورت این امر در میان متصوفه می‌گوید: «تصوف صبر است در تحت مجاری اقدار و قرار گرفتن از دست ملک ذوالجلال و قطع کردن بیان و کوهسار.» (عطار، ۱۳۷۰: ۱۳۱)

۲. «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِمْ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِيَعْيَكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» خداوند از مؤمنان جان‌ها و اموالشان را می‌خرد که [در برابرش] بهشت برای آنان باشد. [به این‌گونه که] در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند. این، وعده حقی است بر او که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده است و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون بشارت باد بر شما، به دادوستدی که با خدا کرده‌اید و این است آن پیروزی بزرگ! (توبه ۱۱۱)

۳. پیامبر (ص) می‌فرمایند: «سافروا تصحّوا و تغمّوا» «سفر کنید تا سالم شوید و غنیمت و ثروت به دست آورید» (بحار الانوار، ۱۳۶۶، ج ۷۶: ۲۲۲)

۴. امیرمؤمنان علیه السلام درباره جهاد می‌فرماید: «ان الجهاد باب من ابواب الجنة فتحه الله لخاصه اوليائه و هو لباس التقوى و درع الله الحصينه و جنته الوثيقيه» جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند تنها به روی اولیاء خاص خویش گشوده است و آن لباس تقوا و زره نفوذناپذیر و سپر اطمینان‌بخش الهی بر پیکر مجاهدان است. (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۷)

۵. (بنگرید به ابن الجوزی، ۱۳۸۱: ۱۲۴)

۳. نتیجه

از بررسی موضوع سفر در تذکره الاولیاء عطار نیشابوری و انگیزه‌های صوفیان و عارفان از سفر، نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. هدف اصلی از «سفرهای ظاهری» در میان جماعت صوفیه، ایجاد تحول باطن و درون سالک است؛

۲. با بررسی آثار عرفانی فارسی مشهود است که در این آثار بابت به آداب سفر اختصاص دارد که گویای ارزش و اهمیت این سیر در میان صوفیه است؛
۳. سرچشمه بسیاری از انگیزه‌های سیر آفاقی مشایخ صوفیه در تذکره الاولیاء، مانند حج، تجارت، جهاد، وعظ و تبلیغ و طلب علم بر مبانی دین اسلام بوده است؛
۴. برخی از انگیزش‌های سفر مانند سفر برای حج و زیارت مشایخ در میان مشایخ صوفیه تذکره اولیا نسبت به سایر انگیزش‌ها، از بسامد بالاتری برخوردار است؛
۵. وجه اشتراک همه این سفرها این است که سفر با هر انگیزشی انجام شود، درنهایت دل بریدن از مألوفات جسمانی و رهایی از زندان نفس را در پی دارد و این خود برای عارفان مهم و نکته اساسی است.

کتاب نامه

قرآن کریم

- ابن الجوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی. ۱۳۸۱. *تلخیص ابلیس*. ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- باخرزی، ابوالمفاخر یحیی. ۱۳۴۵. *اوراد الاحباب و فصوص الآداب*. ج ۲. به کوشش ایرج افشار. تهران: دانشگاه تهران.
- رازی، نجم‌الدین ابوبکر. ۱۳۷۳. *مرصاد العباد من المبدأ الى المعاد*. به اهتمام محمدامین ریاحی. چاپ پنجم. تهران: علمی و فرهنگی.
- سهروردی، شهاب‌الدین. ۱۳۸۴. *عوارف المعارف*. تهران: علمی و فرهنگی.
- شریف رضی، محمدبن حسین. ۱۳۸۸. *نهج البلاغه*. ترجمه محمد دشتی. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- صفا، ذبیح‌اله. ۱۳۸۰. *تاریخ ادبیات در ایران*. چاپ هفتم. تهران: انتشارات فردوس.
- عطار نیشابوری، فریدالدین. ۱۳۷۰. *تذکره الاولیاء*. ترجمه رینولد نیکلسون. انتشارات دنیای کتاب. چاپ سوم.
- قشیری، امام ابوالقاسم. ۱۳۷۴. *ترجمه رساله قشیریه*. تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر. چاپ چهارم. تهران: علمی و فرهنگی.
- کاشانی، عزالدین محمود. ۱۳۷۲. *مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه*. تصحیح جلال‌الدین همایی. چاپ چهارم. تهران: هما.
- کبری، نجم‌الدین. ۱۳۶۳. *آداب الصوفیه*. به تصحیح مسعود قاسمی. تهران: کتابفروشی زوار مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. ۱۳۶۶. *بحار الانوار*. تهران: دارالکتب اسلامی.
- مکی، ابوطالب. ۱۳۸۴. *قوت القلوب*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- هجویری، ابوالحسن. ۱۳۷۱. *کشف المحجوب*. تصحیح والنّین ژوکوفسکی. چاپ دوم. تهران: کتابخانه‌ی طهوری.

References

The Holy Quran

Aban al-Jouzi, Abol Faraji Abdulrahman bin Ali (2002) *Talbis Iblis*, translated by Alireza Zakavati Gharoghosloo, Tehran, University Publishing Center.

- Attar Neishabouri, Farid al-Din (1991) *Tadzkera Olaya*, Translation by Renolled Nicholson, World Book Publishing, Third Edition
- Bakhrzayi, Abolmfakher Yahya (1966), *Urad al-Habab and Fusus al-daab*, 2, by Iraj Afshar, Tehran, Tehran University
- Ghashiri, Imam Abu al-Qasim (1995) Translation of Rasoul Ghashiriyeh, Correction of Badie-e Zaman Forouzanfar, Fourth Edition, Tehran, Scientific & Cultural
- Hojawari, Abolhassan (1992), *Discovery of Al-Muhajub*, Correction of Valentin Zhukovsky, Second Edition, Tehran, Tahiri Library
- Kashani, Ezzeddin Mahmud (1993) *Mesbah Al-Hadaei and Mftah al-Faha'i*, Correction of Jalaluddin Hemayi, Fourth Edition, Tehran, Homa
- Maki, Abutaleb (2005) *Al-Qalub Power*, Beirut, Dar Al-Kabul Al-Ma'mieh
- Majlisi, Mohammad Bagher ibn Mohammad Taghi (1366) *Baharalanvar*, Tehran, Islamiyah
- Razi, Najmiddin Abu Bakr (1993) *Morsad al-Abad I am al-Mabda al-Mā'ad*, under the direction of Mohammad Amin Riahi, fifth edition of Nahr, scientific and cultural 5.
- Safa, Zabihollah (2001) *Iranian Literature History*, Seventh Print, Tehran, Ferdows Publications
- Sharif Razi, Mohammad bin Hussein (2009) *Nahj al-Balaghah*, translation by Mohammad Dashti, Qom, Bostan Institute of Books
- Suhrawardi, Shahabuddin (2005) *Encyclopedia of the Encyclopedia*, Tehran, Scientific and Cultural.